



قربانیان سیل فارس به ۲۲ تن رسید

نیمروز سیاه «استهبان»

مدیرکل مدیریت بحران فارس در گفت وگو با خراسان از علت غافل گیری مردم، تعداد زیاد فوتی ها و میزان خسارت ها می گوید

مصطفی میر جانیان - آخرین روز تیر ماه و اولین روز مرداد برای استان فارس با انواع حادثه‌های تلخ‌وتکان‌دهنده‌گذشت. حوادثی که مردم استان فارس قبلا در سیل «دروازه قرآن» در شیراز تجربه کرده بودند اما انگار قصه تلخ سیل های مرگبار در این استان پایانی ندارد. عصر روز جمعه، بارش باران فصلی در شهرستان های نی ریز و حوالی امامزاده سلطان شهباز استهبان منجر به وقوع سیل در رودخانه رودبال شد. حادثه تلخی که در ساعات اولیه حدود پنج کشته برای آن اعلام شد اما رفته رفته و تا ظهر روز شنبه، آمار فوتی ها به ۲۲ نفر رسید. همزمان با افزایش آمار فوتی ها و مفقودان، تصاویر هولناکی از سیل در فضای مجازی منتشر شد که خودروها و وسایل زندگی مردم در میان امواج مرگبار سیل به سمت سدها و زمین



■ اوقات فراغتی که منجر به مرگ شد!

سیل مرگبار با ۲۲ فوتی و چندمفقودی،وقتی برایمان تلخ تر شد که تصاویر فضای مجازی حکایت از آن داشت که بیشتر قربانیان این حادثه تلخ خانواده هایی بودند که برای گذران اوقات فراغت در فصل گرم سال به این محل آمده و با واقعه ای هولناک و سیل تابستانی روبه رو شده بودند. فیلم ها از لحظه وقوع سیل گویای آن است که تعدادی از خودروها بنا بر عادت گذشته در حریم بستر رودخانه و در فاصله حدود ۲متری از آب روان متوقف هستند و تلاش رانندگان برای نجات خودروهایشان از سیل ناگهانی منجر به نتیجه نمی شود.

■ **معمای هشدار هواشناسی و غافل گیری مردم**
وقوع سیل در استهبان فارس که عصر جمعه منجر به جان باختن شماری از هموطنان شد، پرسش هایی را برای افکار عمومی و کاربران فضای مجازی به همراه داشت، از جمله این که آیا هواشناسی درباره احتمال

های کشاورزی در حرکت بودند! این در حالی بود که طی روز شنبه و همزمان با افزایش آمار فوتی ها و مفقودان، استان فارس در صدر خبرها بود؛ اجرای حکم قصاص قاتل شهید رنجبر جانشین وقت پاسگاه پیدزرد شیراز، حادثه هواپیمای مسافربری شیراز به تهران در فرودگاه مهرآباد که به خیر گذشت وتیراندازی مرگبار در یک عروسی در مرودشتو... که این استان را در اولین روز مرداد باتلخ ترین خبرها و اتفاقات همراه کرد!

توجه به این که بارش های رگباری معمولا موقت وزودگذر هستندرودخانه رودبال عمق زیادی نداشته، بسیاری از مردم برای تفریح به این منطقه مراجعه کرده و در بستر این رودخانه حضور یافته بودند. در همین زمینه گزارشی درباره هشدار های هواشناسی آمده کردیم که در صفحه ۹ می توانید بخوانید.

■ **مدیریت بحران فارس در پاسخ به خراسان: هوا آفتابی بودو غافل گیر شدیم**
برای بررسی بیشتر جزئیات حادثه سیل در استهبان به سراغ مدیر کل مدیریت بحران استانداری فارس رفتیم. عبدالهی به خراسان می گوید: کار جست وجو فقط برای دومفقودی همچنان ادامه دارد. خوشبختانه خسارت مالی زیادی به خانه ها و تاسیسات نداشتیم. باران در بخش های بالادست رودخانه رودبال باریده بود و حدود دو هزار و ۵۰۰ نفر برای تفریح و حتی شنا به کنار رودخانه آمده بودند. بعد از باران شدید در بخش های بالادستی و رسیدن آب به نزدیکی گردشگران حدود ۵۵ نفر گرفتار سیل شدند که از مرگ حتمی نجات پیدا کردند. الان پنج نفر در بیمارستان بستری

شوک جدید در پرونده پر رمز و راز متروپل

برادر حسین عبدالباقی، مالک متروپل آبادان در اقامی مشکوک، توسط افراد ناشناس هدف حمله مسلحانه قرار گرفت؛ ماجرا چه بود؟

با اسلحه کمری به داخل پارکینگ شلیک می کند. پس از آن بقایای پوکه های تیرهای شلیک شده روی زمین کشف می شود که گفته شده حدود ۶ تیر به مجید عبدالباقی اصابت کرده است.

فرمانداری ویژه آبادان درباره جزئیات این حادثه گفته است: ظهر روز شنبه افرادی



ناشناس اقدام به تیراندازی به مجید عبدالباقی در مجتمع مسکونی وی کردند و پس از تیراندازی به سوی وی از محل تیراندازی متواری شدند. عباسپور گفت:

تحقیقات برای شناسایی افراد تیرانداز آغاز شده است. رئیس بیمارستان نفت آبادان هم ساعتی پس از سوء قصد گفت: پیکر بی جان مجید عبدالباقی که هدف حمله مسلحانه قرار گرفته بود به به اتاق عمل بیمارستان نفت منتقل و اقدامات مقتضی برای احیای او انجام شد. او افزود: اقدامات پزشکی برای نجات جان عبدالباقی متأسفانه به علت شدت جراحت، نتیجه بخش نبود. دادستان مرکز استان خوزستان هم از تشکیل پرونده قضایی برای حادثه حمله مسلحانه به مجید عبدالباقی در دادگستری این استان خبر داد. صادق جعفری چگنی در گفت وگو با

میزان درباره جزئیات حمله مسلحانه به مجید عبدالباقی برادر مالک ساختمان متروپل آبادان، اظهار کرد: این فرد در پی حمله افرادی با شلیک چندین گلوله هدف قرار گرفت و پس از وقوع حادثه به بیمارستان منتقل شد. دادستان شهرستان آبادان بلافاصله پس از وقوع حادثه با حضور در محل مذکور، باتشکیل پرونده قضایی در دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان آبادان، موضوع را بررسی کرد و تحقیقات اولیه در حال انجام است. وی افزود: در این حادثه تاکنون فرد یا افرادی دستگیر نشده اند.

■ **سرنخ برادر عبدالباقی از متروپل**
حدود دوماه قبل ساختمان مرتفع متروپل آبادان فرو ریخت. در این میان، یکی از موضوعاتی که توجه کاربران را به خود جلب کرد، سرنوشت حسین عبدالباقی مالک متروپل آبادان بود. از همان لحظه ریزش ساختمان، مطالب مختلفی درباره ریشه دادن مالک متروپل آبادان در رسانه های اجتماعی منتشر می شد که از فساد، پشت این ساختمان حکایت داشت و همین موضوع حساسیت کاربران در خصوص مالک متروپل را افزایش داده بود. به دنبال حساسیت افکار عمومی



راجع به مالک متروپل و مسئولانی که در این فاجعه دخیل بودند، در همان روز دوشنبه اعلام شد با حکم دادستان خوزستان مالک متروپل بازداشت شده است اما فردای آن روز، ناگهان ماجرا تغییر کرد و اعلام شد عبدالباقی زیر آوار متروپل، از دنیا رفته است. انتشار این خبر حساسیت ها به سرنوشت عبدالباقی را بیشتر کرد و باعث شد تا کاربران شبکه های اجتماعی درباره فوت او اظهار تعجب کنند. اما در همان روزها در تصاویری که در فضای مجازی هم خیزش شد، برادران حسین عبدالباقی به سردخانه و کنار پیکر برادرشان رفته بودند که نحوه گریه کردن آن ها واکنش مخاطبان و کاربران فضای مجازی را به دنبال داشت.

کشف پیکر بی جان ۲ کارگر معدن کرومیت

ارزوهی سه نفر از کارگران هنگام انجام کار محبوس شدند که در ساعات اولیه این حادثه یکی از حادثه دیدگان توسط نیروهای هلال احمر رهاسازی شد و نجات یافت.



در امتداد تاریکی

وقتی پسر ۱۶ ساله ام خودکشی کرد!

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

از روزی که پسر ۱۶ ساله ام به دلیل اختلافات بین من و پدرش خودکشی کرده است، دیگر تحمل این زندگی را ندارم و قصد دارم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم چرا که... به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۸ ساله ای است که مدعی بود همسرش هیچ گونه احساس مسئولیتی در برابر او ندارد و به همین دلیل قصد دارد از او طلاق بگیرد. این زن درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: در حالی که سه فرزند داشتم از همسرم طلاق گرفتم چرا که هیچ گونه تفاهم اخلاقی با هم نداشتیم و نتوانستیم به زندگی مشترکمان ادامه بدهیم. دو فرزند بزرگ ترم از دواج کرده بودند و تنها پسر ۱۶ ساله ام نزد من زندگی می کرد. در همین روزها برای رهایی از تنهایی با مرد دیگری از دواج کردم اما مازیار به هیچ وجه اهل کار و زندگی نبود و هیچ مسئولیتی را بر دوش خود احساس نمی کرد. او فقط از خانه، خودرو و امکانات رفاهی من بهره می برد و هیچ گونه نقه ای برای مخارج زندگی به من نمی داد. از سوی دیگر نیز اجازه نداد پسر ۱۶ ساله ام با زندگی کند. به ناچار فرزندم را به بهزیستی سپردم تا حداقل مسیر خلاف را در پیش نگیرد ولی او در بهزیستی دوام نیاورد و به همین دلیل پدرش او را از بهزیستی تحویل گرفت و به زادگاهش در یکی از شهرهای خراسان شمالی برد اما فیروز که در یک شهر بزرگ زندگی کرده بود، آزادی های بیشتری می خواست. به همین دلیل در شهر زادگاه پدرش طاقت نیاورد و دوباره به مشهد فرار کرد چرا که آن جا هیچ دوست و آشنایی نداشت و احساس تنهایی می کرد. از طرف دیگر نیز وقتی به مشهد می آمد مدام با دوستان نابابی معاشرت داشت و من می ترسیدم او پای بساط مشروبات الکلی و مواد مخدر بنشیند. این بود که با همسر سابقم تماس گرفتم و رفتارهای فیروز را به او گوشزد کردم. من به او گفتم شوهرم اجازه نمی دهد فیروز در کنار من زندگی کند، به همین دلیل او به خانه مجردی دوستانش می رود به طوری که احساس می کنم مسیر خلاف را در پیش گرفته باشد. بعد از این ماجرا همسر سابقم به مشهد آمد و پسرم را دوباره به خودش برد اما متأسفانه چند روز بعد خبر خودکشی او را به من دادند. در حالی که بسیار ناراحت بودم و عذاب وجدان داشتم فرزندان دیگرم مرا عامل خودکشی برادرشان می دانستند و معتقد بودند رفتارها و ناسازگاری های من با پدرشان موجب شد تا خانواده ما متلاشی شود و آن ها به سوگ برادر کوچکشان بنشینند و از طرف دیگر چندماه بعد نیز خواهرم به دلیل اختلافاتی که با شوهر معتادش داشت، دست به خودکشی زد و از دنیا رفت. دیگر تحمل این همه رنج و عذاب را نداشتم و بسیار افسرده بودم اما در همین حال مازیار نیز فقط از امکانات مالی من سوء استفاده می کرد و هیچ مسئولیتی را در زندگی نمی پذیرفت. وقتی به او اعتراض می کردم مرا زیرمشت و لگد می گرفت و کتک می زد، این بود که کارد به استخوانم رسید و تصمیم گرفتم از همسر دوم نیز طلاق بگیرم و... گزارش روزنامه خراسان حاکی است با صدور دستورای از سوی سرهنگ سیدرضا معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن میان سال توسط مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی مورد بررسی های کارشناسی و روان شناختی قرار گرفت.